ادب پهلوانی

مطالعه‌ای در تاریخ ادب دیرینهٔ ایرانی
از زرتشت تا اشکانیان

نوشته:

محمد مهدی مؤذن جامی

www.atharebartar.com

فهرست

پیشگفتار ۹

۱. درآمد: ادب عصر اساطیری ـ پهلوانی ۱۷

۲. عصر گاثاها: افول عصر پهلوانی ۴۷

۳. دنیای ماد و هخامنشی: ادب مغانی و شاهانی ۷۹

۴. میراث اشکانی: عصر تکوین حماسهٔ ملّی ایران ۱۷۷

پیوست: چهار مقاله در بررسی متن‌های اشکانی ۲۸۹

۱. بیژن و منیژه و ویس و رامین (جلال خالقی مطلق) ۲۹۳

۲. آیین مهر، زورخانه، عیاری و سمک عیار (مهرداد بهار) ۳۲۳

۳. پژوهشی مردم‌شناختی در منظومهٔ درخت آسوریک (محمود روح‌الامینی) ۳۴۵

۴. نشانه‌های نمایشی در حماسهٔ یادگار زریران (خجسته کیا) ۳۶۳

کتابنامه ۳۷۷

نمایه ۳۸۹

www.atharebartar.com

فهرست تفصیلی

پیشگفتار ۹

۱. درآمد: ادب عصر اساطیری ـ پهلوانی ۱۷ـ۴۶

۱ـ۱ ادب شفاهی خراسان باستان ۱۷

۱ـ۲ پیوند قصص قومی و دینی ۱۸

۱ـ۳ تقویم ۱۲ هزار ساله و آفرینش آدمی ۱۸

۱ـ۴ آفرینش حیوانات ۱۹

۱ـ۵ جمشید و ایرانویچ ۲۰

۱ـ۶ هزارهٔ ضحاک ۲۲

۱ـ۷ نیم هزارهٔ فریدون ۲۴

۱ـ۸ تقسیم جهان ۲۵

۱ـ۹ تولد پهلوانان، تازش تورانیان ۲۶

۱ـ۱۰ کیانیان ۲۸

۱ـ۱۱ کیخسرو و حکمت خسروانی ۳۰

۱ـ۱۲ رستم، مهر و سیمرغ ۳۳

۱ـ۱۳ زمان رستم ۳۵

یادداشت‌ها ۳۷

پیوست: دربارهٔ گزندی که هزاره هزاره به ایرانشهر آمد ۴۳

۲. عصر گاثاها: افول عصر پهلوانی ۴۷ـ۷۷

۲ـ۱ تاریخ حیات زرتشت ۴۷

۲ـ۲ جغرافیای حیات زرتشت ۴۹

۲ـ۳ برآمدن پیامبر ۴۹

۲ـ۴ اشه و آتش در آیین زرتشت ۵۲

۲ـ۵ زرتشت و آیین مهر ۵۵

www.atharebartar.com

۲ـ۶ گاثاها ۵۸
۲ـ۷ گزینه‌هایی از گاثاها ۵۹
۲ـ۸ یادگار زریر، گزارش نخستین جنگ بر سر دین نو ۶۲
۲ـ۹ اسفندیار پهلوان دین نو ۶۵
۲ـ۱۰ نبرد رستم و اسفندیار ۶۶
۲ـ۱۱ جنبه‌های آیینی در مرگ و حیات دو پهلوان ۶۹
۲ـ۱۲ گسست در روایت ملّی ایران ۷۱
یادداشت‌ها ۷۳
۳. دنیای ماد و هخامنشی: ادب مغانی و شاهانی ۷۹ـ۱۷۵
الف) ادب مغانی
۳ـ۱ ادب غرب ایران ۷۹
۳ـ۲ برآمدن ماد ۸۰
۳ـ۳ داستان کورش ۸۰
۳ـ۴ بازخوانی روایات مادی از نگاه اساطیری ۸۲
۳ـ۵ ماد و مُغ ۸۴
۳ـ۶ تعبیر مُغانه دین زرتشت ۸۵
۳ـ۷ تغییر در جغرافیای دین زرتشت ۸۶
۳ـ۸ وندیداد و مُغان ۸۸
۳ـ۹ ادبیات رؤیا ۸۹
۳ـ۱۰ ادب عامیانهٔ عصر ۹۰
ب) ادب شاهانی
۳ـ۱۱ کورش و ادب دینی یهود ۹۱
۳ـ۱۲ کورش در ادب یونانی ۹۳
۳ـ۱۳ افسانه‌های شاهی ۹۵
۳ـ۱۴ گرتهٔ هخامنشی در روایت ملی ۹۷
۳ـ۱۵ زبان سنگ نبشته‌ها ۹۹
۳ـ۱۶ کتیبهٔ بیستون ۱۰۱
۳ـ۱۷ کتیبهٔ نقش رستم ۱۰۷
۳ـ۱۸ آناهیتا و مهر در کتیبهٔ اردشیر دوم هخامنشی ۱۱۰
۳ـ۱۹ ایزد بانوها در فرهنگ ایران باستان ۱۱۱

www.atharebartar.com

۳ـ۲۰ آبان‌یشت ۱۱۴
۳ـ۲۱ مهریشت ۱۱۸
۳ـ۲۲ ادبیات نقش شده بر سنگ ۱۲۳
الف. نقشمایهٔ حیوانات ۱۲۴
ب. نقشمایهٔ پرندگان ۱۲۷
ج. نقشمایهٔ گیاهان و درختان ۱۲۹
۳ـ۲۳ قطره‌ای از دریا: حکایت‌های هخامنشی ۱۳۲
۳ـ۲۴ هخامنشیان و فرارود ۱۳۸
نماهای هخامنشی ۱۴۲
یادداشت‌ها ۱۶۰
نمایهٔ حوادث تاریخی ۱۷۲
۴. میراث اشکانی: عصر تکوین حماسهٔ ملّی ایران ۱۷۷ـ۲۸۷
۴ـ۱ درآمد ۱۷۷
۴ـ۲ چهرهٔ سه گانهٔ فاتح مقدونی ۱۷۸
۴ـ۳ ستیز ایرانی ـ یونانی ۱۸۳
۴ـ۴ یونان و ایران پیش از اسکندر ۱۸۵
۴ـ۵ سازش دو فرهنگ ۱۹۰
۴ـ۶ ادبیات مقاومت و اندیشهٔ منجی ۱۹۲
۴ـ۷ بهمن‌یشت (زند وهومن یسن) ۱۹۶
۴ـ۸ اشکانیان و اندیشهٔ موعود ۱۹۹
۴ـ۹ خدنگ پهلوانی ۲۰۴
۴ـ۱۰ ادب و آداب یونانی در دربار ۲۰۷
۴ـ۱۱ مسئلهٔ هلنیسم و یونان دوستی ۲۱۰
۴ـ۱۲ مهر و ناهید میراث عهد هخامنشی ۲۱۲
۴ـ۱۳ سنت پهلوانی و آیین مهر ۲۱۶
۴ـ۱۴ عرفان اشکانی ۲۲۰
۴ـ۱۵ بازشناخت آثار ادبی ۲۲۷
۴ـ۱۶ تدوین اوستا و نقش‌های سه گانهٔ فرهنگی ـ ادبی آن ۲۲۹
۴ـ۱۷ پارتیان و قصص پهلوانی ۲۳۵
(۱) پیوند رستم با اساطیر یونانی و سورنای اشکانی ۲۳۶

www.atharebartar.com

(۲) تاجبخشی رستم و نظام سیاسی معادل آن ۲۳۸
(۳)ایران شاهنامه، ایران پیش از ساسانی است ۲۳۹
۴ـ۱۸ روایت اشکانی خداینامه..... ۲۴۰
۴ـ۱۹ مانی: مظهر و پایان عصر تلفیق..... ۲۴۳
۴ـ۲۰ مرده ریگ مانی ۲۴۷
۴ـ۲۱ عرفان مانوی و حکمت پهلوانی ۲۵۵
یادداشت‌ها..... ۲۵۹
نمایهٔ حوادث تاریخی ۲۸۳
پیوست: چهار مقاله در بررسی متن‌های اشکانی..... ۲۸۹ـ۳۷۶
۱. بیژن و منیژه و ویس و رامین... (دکتر جلال خالقی مطلق) ۲۹۳
۲. آیین مهر، زورخانه، عیاری و سمک‌عیار (دکتر مهرداد بهار)..... ۳۲۱
۳. پژوهشی مردم‌شناختی در منظومهٔ درخت آسوریک (دکتر محمود روح‌الامینی) ۳۴۳
۴. نشانه‌های نمایشی در حماسهٔ یادگار زریران (خجسته کیا) ۳۶۱

www.atharebartar.com

من که نویسنده‌ام مقام آموزگاری ندارم، آموزندهٔ فراگیرنده‌ام. اما به نزدیک من خردمندانه رسید که با گشاده‌دستی سخنی از آن دانش (خود) نوآموزان را پیشکش کنم، چه هرکس از دانش اندکی که دارد به آنان که شایسته هستند ببخشد، نیکوتر از آن است که بسیار می‌داند و شایستگان از آن سودی و بهره‌ای ندارند.

شکند گمانیک ویچار
(زبان و ادبیات پهلوی، ج. تاوادیا، ترجمهٔ س. نجم‌آبادی، ص ۱۲۱)

www.atharebartar.com

به نام خداوند جان و خرد

پیشگفتار

ادب پهلوانی در پاسخ به نیازی نوشته شد که از کاستی‌های بحث در کلاس‌های تاریخ ادبیات دربارهٔ نخستین دوره‌های ادب فارسی برمی‌خاست: بی‌خبری از ایران پیش از اسلام و نیاز به شناخت آن دست‌کم به عنوان پایه‌ای برای درک پیوندهای نخستین دوره‌های ادبیات فارسی با ادب و فرهنگ پیش از اسلام. کتاب گرانسنگ پژوهشگر فقید دکتر ذبیح‌الله صفا که منبع اصلی و در واقع تنها منبع درس تاریخ ادبیات تلقی می‌شود گرچه با بحث‌هایی در مرده ریگ ادب پهلوی و ساسانی همراه است امّا فاقد بحثی جدی و مستقل از تاریخ تحولات ادب پیش اسلامیِ ایران است. وقتی در سال ۱۳۷۲ کار نوشتن ادب پهلوانی را آغاز کردم هیچ کتاب دیگری برای بحث از ادبیات باستانی ایران در تألیفات فارسی وجود نداشت. گرچه در طول چند دهه که از انتشار اوّلین جلد تاریخ ادبیات صفا می‌گذشت متون متعددی از ادب دیرینهٔ ایران تصحیح و ترجمه شده و هر یک با توضیحات روشنگر انتشار یافته بود. در واقع، مواد کار و مراجعه برای پژوهش و تدریس فراهم امّا پراکنده بود گرچه حجاب نامریی امّا واقعاً موجود بین کلاس‌های تاریخ ادبیات با مباحث پیش از اسلام همین آثار و مواد موجود را نیز مهجور کرده بود. این که برای عموم دانشجویان و شمار قابل توجهی از مدرسان جوان مراجعه به این نوع آثار به دلیل کم شناخته بودن مفاهیم و نام‌ها و موضوعات ادب پیش اسلامی خالی از اشکال نیست خود توضیح دهندهٔ جنبه‌هایی از علل به وجود آمدن و چرایی باقیماندن در این حجاب است. ادب پهلوانی کوششی است برای به دست دادن گزارشی تا حد امکان ساده، مبتنی بر یک طرح تاریخی، با هدف آموزشی و زبانی غیر فنی از آن چه در حوزهٔ ادب باستانی ایران دست‌کم در محدودهٔ منابع و تألیفات «فارسی» یا «فارسی شده» مطرح است. بنابراین، مخاطب اصلی دانشجوی علاقه‌مند به سرشت و سرگذشت ادب دیرینهٔ ایران و سپس هر کتابخوانی است که مدتی کوشیده است با خودآموزی جواب ابهام‌ها و

www.atharebartar.com

پرسش‌هایی را دربارهٔ گوشه‌هایی از فرهنگ و دین و ادب ایران پیش از اسلام پیدا کند که احتمالاً در این کتاب پاسخی برای آن یا نقطه شروعی برای پاسخگویی به آن خواهد یافت.

گمان اولیهٔ من این بود که می‌توان در ظرف مدتی کوتاه این گزارش را به دست داد امّا ابهامات و گره‌گاه‌هایی که در مباحث پیش از اسلام وجود دارد، اختلاف آرای گاه غیرقابل رفع و جمع میان آرای ایرانشناسان و سؤال‌های روزافزون که در طول کار به وجود می‌آمد و انباشته می‌شد و الزام می‌کرد که پیش از ادامهٔ یک فصل یا دست یافتن به نتیجه‌ای قابل دفاع به آنها پاسخ گفته شود آهنگ کار را آهسته و زمان به پایان بردن آن را بسیار طولانی‌تر از آن کرد که گمان من بود. در عین حال، از آن جا که به دست دادن این گزارش در قالب تاریخ‌نویسی ادبی اوّلین بار بود که انجام می‌شد الگویی از پیش نداشت و باید مدل کار در حین انجام آن ساخته می‌شد، تصحیح می‌شد و شکل می‌گرفت و این نیز به نوبهٔ خود تأمل بیشتری را ایجاب می‌کرد. من نمی‌خواستم کتاب را از اطلاعات بسیار آکنده سازم. کوشش من آن بود که از میان انبوه اطلاعات موجود گزارش سازواری فراهم کنم که اجزای آن با یکدیگر پیوند داشته باشد و در کل سیمای معناداری از تحوّل ادب و فرهنگ پیش اسلامی در محدودهٔ کار این کتاب به دست دهد. تعهد من آن بود که تا چیزی را خود نفهمیده‌ام در این گزارش نیاورم. ناگفته پیداست که به این ترتیب، گرچه کلیدهایی برای حل برخی مسایل این دوره به دست داده‌ام، امّا دایرهٔ جهل خود را نیز برملا کرده‌ام.

در میان همهٔ ابهام‌ها و پرسش‌ها و نیاز به طرح‌افکنی‌های دوباره و چندباره برای رسیدن به یک سیمای روشن که قدرت ارتباط برقرار کردن با خوانندهٔ امروزی را داشته باشد چند چیز امّا از همان ابتدا برای من مشخص بود. نخست آن که حیطهٔ بحث حتماً باید ادبیات باشد و نه زبان. چرا که هر گاه سخن از ادبیات پیش از اسلام می‌شود ناخودآگاه گفتگو از زبان‌ها و خطوط مختلف ایران پیش از اسلام به میان می‌آید که بخشی از «تاریخ زبان» است. چنانکه در یکی دو سه کتاب مختصر و مفصل که می‌توان ذیل ادبیات پیش از اسلام در کتابخانه یافت همه جا بحث از انواع زبان‌های ایرانی است در این دوره و سرانجام کتیبه‌های بازمانده بر کوه و سنگ و سفال. حال آن که آنچه از نگاه ادبی و فرهنگی مهم است اسطوره‌ها و قصص دینی و رؤیاها و تعبیرها و روایات پهلوانی و ترانه‌ها و امثال و نقش‌های داستان‌دار بر روی سنگ و سفال و همه آن چیزهایی است که در آن پرتوی از مجاز و خیال و شاعرانگی و آرمان‌اندیشی و تعالی‌جویی مردم ایران در عهد باستان بتوان یافت. حتی کتیبه‌های موجود را نیز تنها از

www.atharebartar.com

چنین دیدگاهی می‌توان در بحث «ادبی» ــ و نه «تاریخ زبانی» ــ وارد کرد؛ مثلاً این که آیا در آنها نثری فاخر یا کلامی متعالی از جنس شعر و کار ادبی می‌توان یافت یا نه. نتیجهٔ این اصرار و این «باید» ادبی در همهٔ جنبه‌های این گزارش پیداست و من عمداً از بحث‌های مربوط به تاریخ زبان تن زده‌ام و به آن مقدار که لازمهٔ بحث از ادبیات بوده اکتفا کرده‌ام. در مقالات پیوست کتاب نیز مباحث اساساً خصلت ادبی و متن شناختی دارند.

دومین نکته باز می‌گردد به این که کار تاریخ ادبیات بیشتر یک کار تحلیلی است تا توصیفی. از این‌رو، به دست دادن سیاهه‌ای از آثارِ ولو ادبی چه مربوط به پس از اسلام یا پیش از اسلام باشد تاریخ ادبیات نیست. دو نمونهٔ خوب در مطالعات تاریخ ادبی یکی سخن و سخنوران استاد فروزانفر است و دیگری از صبا تا نیمای یحیی آرین‌پور. از کوچهٔ رندان دکتر زرین‌کوب نیز که تک‌نگاریِ درخشانی دربارهٔ حافظ است در واقع فصلی از تاریخ ادبیات ایران است که تاکنون کتابی به سرزندگی آن نوشته نشده است. یک نمونهٔ قابل یادکرد از مطالعات فرنگیان در تاریخ ادبیات فارسی هم که از جمله شامل فصلی دربارهٔ ادب پیش اسلامی است اثر یان ریپکا و همکاران اوست که ترجمهٔ آن به فارسی دردسترس است. مقالات دکتر جلال خالقی مطلق و دکتر مهرداد بهار که در پیوست‌های ادب پهلوانی می‌بینید نیز نمونه‌های بسیار خوب تحلیل ادبی در خدمت روشن ساختن جنبه‌هایی از تاریخ ادبیات ایران است. به این ترتیب، گرچه می‌پذیرم که ارائهٔ فهرست دقیق آثار و کتیبه‌های بازمانده از عهد باستان و طبقه‌بندی آنها و بازگویی درونمایهٔ این میراث زبانی ـ ادبی ارزش انکارناپذیری برای تاریخ ادبیات دارد، امّا معتقدم تاریخنویسی ادبی با نشان دادن ربط آثار به فضای فرهنگی، دینی و ادبی هر دوره و تحولات آنها و در حقیقت با بازسازی فضای فرهنگی هر عصر و نشان دادن تداوم و گسست آن در دوره‌های بعدی است که معنای واقعی خود را باز می‌یابد. به عبارت دیگر، تاریخ ادبی تنها در صورتی به گوهر خود نزدیک می‌شود که حاصل آن نه صرفاً جمع تدوین یافتهٔ «اطلاعاتِ» صامت بلکه طرحِ «بینشِ» معین بر مبنای پروردن داده‌ها و گویا کردن آنها باشد. در مقام مقایسه، کار تاریخ ادبی بیش از آن که به برپا داشتن موزه‌ای از آثار پیشینیان همانند باشد به جان‌بخشی به گذشته و نشاندن بازیگران فکر و ادب و فرهنگ در صحنه‌ای هرچه بیشتر شبیه به اصل نزدیک است. امید نگارنده آن است که در چنین جهتی حرکت کرده باشد.

نکتهٔ سومین که نهایتاً محدودهٔ کتاب را شکل داد این بود که ادبیات اشکانی بسیار بیشتر از

www.atharebartar.com